

Comparison of Desire and Attitude Toward Remarriage and Its Components in Divorced People with and Without Children from a Previous Marriage

Nader Ayadi*: Ph.D. in counseling, faculty of educational sciences and psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. ayadinader23@gmail.com

Mojtaba Ashouri: Ph.D. in educational psychology, department of educational sciences, faculty of educational sciences and psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran. ashoori15@yahoo.com

Rana Amini: M.Sc. in psychology of exceptional children, faculty of educational sciences and psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. amini.rana2020@gmail.com

Reza Heydarloo: M.Sc. of psychology, department of psychology, faculty of literature and humanities, Urmia University, Urmia, Iran. heydarloo77r@gmail.com

Abstract

Introduction: Given the significant role of remarriage in enhancing post-divorce adjustment, it is essential to identify the factors that facilitate and hinder remarriage after divorce. One such factor, having children from a previous marriage, influences the willingness of divorced individuals to remarry, but it has not been thoroughly investigated. Therefore, this study aims to compare the desires and attitudes toward remarriage, along with its components, in divorced individuals with and without children from a previous marriage.

Methods: This study was a causal-comparative descriptive research project. The target population consisted of divorced individuals on the verge of remarriage in Ardabil city in 2023. From this population, one hundred twenty participants were selected, with sixty individuals assigned to each group, using a convenience sampling method. The Braaten & Rosén (1998) Attitude Towards Marriage Scale and the Heydari et al. (2004) Marriage Desire Scale were utilized to assess the variables in this research. The data were analyzed using an independent t-test in SPSS version 22.

Results: The analysis indicates no significant difference ($P > 0.05$) between the mean scores of the desire to remarry and the various components of attitudes toward remarriage among divorced individuals, regardless of whether they have children from a previous marriage.

Conclusions: The findings suggest that having a child from a previous marriage does not hinder successful remarriage after divorce. However, to better prepare divorced individuals for remarriage, it is important to separately address the challenges posed by raising children in the aftermath of divorce.

Keywords

Attitude Towards Marriage, Desire to Marriage, Divorce, Remarriage

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 25 Sep 2024
Accepted: 20 Jan 2025

Please cite this article as follows:

Ayadi N, Ashouri M, Amini R, and Heydarloo R. Comparison of desire and attitude toward remarriage and its components in divorced people with and without children from a previous marriage. *Quarterly Journal of Social work*. 2024; 13 (1); 26-35

مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق

نادر اعیادی*: دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ayadinader23@gmail.com
مجتبی عاشوری: دکتری روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ashoori15@yahoo.com
رعنا امینی: کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. amini.rana2020@gmail.com
رضا حیدرلو: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. heydarloo77r@gmail.com

واژگان کلیدی

نگرش به ازدواج، رغبت به ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد

* نویسنده مسوول

نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

چکیده

پیشگفتار: با توجه به نقش مهم ازدواج مجدد در بهبود سازگاری پس از طلاق، شناسایی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده از ازدواج مجدد پس از طلاق ضروری به نظر می‌رسد. یکی از عواملی که تاثیر آن بر تمایل افراد مطلقه به ازدواج مجدد به طور کامل بررسی نشده است داشتن فرزند از ازدواج سابق است. بنابراین، هدف از انجام این مطالعه مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق بود.

روش: پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ای از نوع تحقیقات توصیفی بود. جامعه‌آماری این پژوهش افراد مطلقه در آستانه ازدواج مجدد شهر اردبیل در سال ۱۴۰۲ بودند که از میان آن‌ها یکصد و بیست نفر معادل شصت نفر برای هر گروه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای این پژوهش از مقیاس نگرش به ازدواج براتن و روزن ۱۹۹۸ و مقیاس رغبت به ازدواج حیدری و همکاران ۱۳۸۳ استفاده شد. داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از آزمون t مستقل تجزیه و تحلیل شدند که برای این منظور از SPSS22 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق با توجه به مقدار t و سطح معناداری در هیچ یک از این مولفه‌ها، از نظر آماری تفاوت معناداری ($P > 0/05$) وجود نداشت.

پی‌آمد: با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وجود فرزند از ازدواج سابق نمی‌تواند مانع یا عامل بازدارنده از ازدواج مجدد موفق پس از طلاق باشد، با این حال، بهتر است برای افزایش آمادگی افراد مطلقه برای ازدواج مجدد، چالش‌های ناشی از وجود فرزند در زندگی پس از طلاق به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

نادر اعیادی، مجتبی عاشوری، رعنا امینی و رضا حیدرلو. مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۳؛ ۱۳ (۱): ۲۶-۳۵

نحوه استناد به مقاله

دبیاجه

طلاق یکی از استرس‌زاترین حوادثی است که افراد تجربه می‌کنند. عواقب طلاق می‌تواند افراد را در تمام طول زندگی تحت تاثیر قرار دهد و به طریق مختلف بر سلامت جسمی و روانی آن‌ها تاثیر بگذارد. [۱ و ۲] برای همین، بحران زن‌اشویی و طلاق به دلیل قرار گرفتن در معرض آسیب‌های روانی جدی به عنوان رویدادهای آسیب‌زا مفهوم‌سازی شده‌اند. [۳] پس از پایان یک رابطه، افراد ممکن است اشکال متعددی از فقدان‌ها از جمله از دست دادن محل سکونت که می‌تواند بر ثبات مالی تاثیر بگذارد، سیستم خانواده که در صورت درگیر شدن بچه‌ها می‌تواند پیچیده شود و هویت شخصی که فرد هویت خود را به عنوان شریک زندگی شخص دیگری از دست داده است؛ را تجربه کنند. [۴] درواقع، طلاق یک مشکل جدی رابطه‌ای است که در آن پیوند دلبستگی بین زوجین شکسته می‌شود و افراد مطلقه نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه از جمله نشخوار فکری، برانگیختگی، شناخت منفی و رفتار اجتنابی را تجربه می‌کنند و بیشتر از افراد متاهل بیماری‌های روان‌پزشکی را گزارش می‌کنند. [۵ و ۶] با وجود این که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه طلاق بر شناسایی پیامدهای منفی طلاق تاکید دارند. شواهد پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که افراد می‌توانند با فرایند طلاق سازگار شوند و تغییرات مثبت فردی و روانی را تجربه کنند که به آن رشد پس از سانحه می‌گویند. [۷] ازدواج دوم یکی از راه‌هایی است که می‌تواند ابعاد آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از طلاق را کاهش داده و در بهبود کیفیت زندگی افراد موثر باشد. [۸] با این حال، در کنار تاثیرات مثبت ازدواج مجدد در رشد پس از طلاق، بروز مشکل در ازدواج مجدد و به دنبال آن شکست در این ازدواج نه تنها مانع از تداوم رشد پس از آسیب در افراد مطلقه می‌شود، می‌تواند شوک روانی جبران‌ناپذیری به آن‌ها وارد کند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که نگاهی بر ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد که وقوع طلاق در ازدواج مجدد حتی از ازدواج اول هم بیشتر است به طوری که طبق گزارش‌های پژوهشی و آماری موجود پنجاه درصد از ازدواج‌های اول و شصت درصد از ازدواج‌های دوم به طلاق ختم می‌شود. [۹] مروری بر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که از جمله دلایل اصلی تجربه شکست در ازدواج مجدد، می‌تواند حل نادرست مشکلات موجود در ازدواج قبلی در کنار مسوولیت‌ها و چالش‌های اضافی حاصل از ازدواج دوم نسبت به ازدواج اول باشد. [۱۰ و ۱۱] نتایج بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که مساله‌های مربوط به فرزندان مرتبط با ازدواج سابق یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های پیشروی افراد مطلقه در ازدواج مجدد پس از طلاق است. [۱۲] در این زمینه محققان نشان داده‌اند که اگرچه بسیاری از پدر و مادرهای ناتنی با تعهد قوی برای مراقبت از فرزندان وارد ازدواج می‌شوند، اما از متناسب نبودن و طرد شدن توسط فرزندان نیز می‌ترسند. [۱۳] آمارهای رسمی موجود در این زمینه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر به موازات افزایش امید به زندگی در کنار افزایش نرخ طلاق، در ایران نیز تمایل به ازدواج مجدد افزایش یافته است. با این حال، باید به این نکته اشاره کرد که میزان تقاضا برای ازدواج مجدد در میان مردان و زنان مطلقه متفاوت است. به طوری که ازدواج‌های مجدد زنان مطلقه ایرانی نسبت به زنان غربی بیست و پنج درصد کمتر بوده و در مقابل نسبت ازدواج‌های مجدد مردان مطلقه ایرانی به مردان مشابه غربی شش درصد بیشتر شده است. [۱۴] یکی از متغیرهایی که در زمینه گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد نیازمند بررسی است، میزان رغبت به ازدواج مجدد در افراد مطلقه و عوامل موثر بر آن است. رغبت به ازدواج، تمایل فرد به انتخاب همسر و به اشتراک گذاشتن اهداف، ویژگی‌ها، افکار و نگرش‌های خود با آگاهی از اثرات مثبت و منفی آن بر زندگی است. [۱۵] محققان نشان داده‌اند که تجارب منفی ناشی از ازدواج ناموفق قبلی یکی از عوامل تاثیرگذار بر رغبت و تمایل به ازدواج مجدد افراد مطلقه است. برای همین، توصیه می‌کنند که توجه به التیام زخم‌های عاطفی این افراد قبل از هرگونه اقدام به ازدواج مجدد ضرور است. [۱۶] علاوه بر این، محققان دیگر، حضانت فرزند در کنار عوامل عاملیتی و ساختاری متعدد همچون تجربیات ناخوشایند زندگی قبلی، آسیب‌های روانی و مرور خاطرات تلخ زندگی ناموفق قبلی را از جمله موانع ازدواج مجدد برشمرده‌اند. [۱۷] علاوه بر رغبت به ازدواج که یک متغیر هیجانی است، نمی‌توان از نقش عوامل شناختی همچون نگرش و انتظارات مرتبط با ازدواج در گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد غافل شد، نگرش به ازدواج است که دارای چهار مولفه نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوشبینانه به ازدواج، نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج و نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج است. [۲] از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی، نگرش فرد نسبت به یک پدیده به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد، در واقع اتخاذ و شکل‌گیری نگرشی خاص می‌تواند نتیجه عوامل مختلف باشد و در طول زمان صورت می‌گیرد. [۱۸]

تنها بر مراحل برقراری ارتباط مجدد با دیگران و با یک شریک و انتخاب شریک جدید تاثیر می‌گذارند، همچنین می‌توانند والدین را برای ازدواج تحت فشار قرار دهند. در سطح کلان سیستم، فرهنگ نقش مهمی ایفا می‌کند. در این زمینه کاواس [۲۳] گزارش داد که برای برخی از زنان با تحصیلات عالی و مطلقه در ترکیه، ازدواج مجدد باعث آرامش در جامعه‌ای می‌شود که با وجود انگ نسبت به ازدواج مجدد، نسبت به زنان مطلقه نگران است. همچنین براساس این نظریه تصمیمات طلاق و ازدواج مجدد در بافت وسیعتری از زمان اجتماعی و تاریخی صورت می‌گیرد و این به چیزی مربوط می‌شود که برونفن برنر ۱۹۹۴ تاثیرات کرونوسیستم نامید. [۲۲]

ادبیات پژوهشی: نگاهی به پژوهش‌های موجود در زمینه تاثیر فرزندان بر ازدواج، نشان می‌دهد که معمولاً در ازدواج اول چنین تصور می‌شود که کودکان ازدواج را برای همسران ارزشمندتر می‌کنند، زیرا نشان‌دهنده تعهد طولانی مدت است که می‌تواند به عنوان نوعی سرمایه گذاری بلندمدت در رابطه زناشویی نیز دیده شود که ممکن است ثبات ازدواج را تقویت کند. [۲۴] در این زمینه برخی محققان نشان داده‌اند که داشتن فرزند در اولین ازدواج به میزان قابل توجهی خطر طلاق را کاهش می‌دهد. [۲۵] با این حال، در مورد تاثیر فرزندان بر ازدواج مجدد یافته‌ها متفاوت و متناقض هستند. برای مثال کیم [۲۶] در پژوهشی که به واکاوی عوامل موثر بر رضایت زناشویی افراد ازدواج مجدد کرده پرداخت، نشان داد که وجود فرزند از ازدواج اول بر ازدواج مجدد تاثیر منفی می‌گذارد. یکی از توافقاتی که بین نویسندگان در خصوص تاثیر وجود فرزند بر کیفیت ازدواج مجدد وجود دارد این است که آن‌ها معتقدند اگر تولد فرزند بعد از ازدواج مجدد باشد، نه تنها تاثیر منفی بر روابط زوجین نمی‌گذارد بلکه باعث افزایش ثبات در روابط زناشویی آن‌ها می‌شود. با این حال، وجود فرزند قبل از ازدواج مجدد می‌تواند موجب افزایش چالش و استرس در زندگی جدید شود. [۲۷] با وجود این که نتایج مطالعات موجود در خصوص تاثیر حضور فرزند از ازدواج اول بر کیفیت زندگی زناشویی پس از ازدواج مجدد متناقض است، در زمینه اقدام به ازدواج مجدد نیز محققان بر این باورند که حضور فرزند از ازدواج سابق می‌تواند در احتمال و زمان ازدواج والدین به شیوه‌های متفاوتی اثرگذار باشد. برای مثال از یکسو داشتن فرزند برای مادران مطلقه می‌تواند آن‌ها را برای کسب حمایت مالی و دریافت کمک در تربیت فرزندان به ازدواج مجدد سوق دهد. از سوی دیگر، کودکان به ویژه کودکان بسیار جوان که به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند، ممکن است شانس ازدواج مجدد مادرانشان را کاهش دهند یا آن را به تاخیر بیندازند. [۲۸] برخی دیگر از محققان نشان داده‌اند که تصمیمات حضانت در زمان طلاق می‌تواند بر ازدواج مجدد بعدی تاثیر بگذارد، و این که خانواده‌های ناتنی در ایجاد نقش‌هایی برای والدین ناتنی که

رغبت و نگرش به ازدواج به عنوان یک رابطه طولانی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند پیامدهای شادکامی، رضایت از زندگی، سلامت و بهزیستی روانی رادری داشته و بر موفقیت یا شکست فرد تاثیر گذارد. [۱۹] محققان نشان داده‌اند که ناکامی در ازدواج اول می‌تواند با ایجاد احساس ناایمنی در زنان مطلقه و افزایش ترس آن‌ها از برقراری روابط صمیمانه با دیگران، باعث ایجاد نگرش بدبینانه نسبت به ازدواج مجدد شود. [۲۰] همچنین، انتظارات و نگرش‌های غیرواقعینانه و ناآماده بودن برای ازدواج مجدد پس از ازدواج مجدد نیز می‌تواند با تشدید ناهمخوانی اولویت‌ها باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد شود. [۲۰] افراسیابی و خلجی پیر بلوطی [۲۱] در پژوهشی نشان دادند حضور فرزند حاصل از ازدواج اول به اشکال مختلف تصمیم و اقدام زنان به ازدواج مجدد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این عامل با توجه به تجربه و نوع نگاه مشارکت کنندگان، در سه بعد نقش دارد. یک از طرف فرزندان که بیشتر با ازدواج مجدد مادر خود همراهی نمی‌کنند و با اطلاع از تصمیم مادر به ازدواج مجدد، شروع به ناسازگاری‌های رفتاری می‌کنند. دومین بعد این محور به نگرانی‌های مادر از این که حضور در خانه همسر جدید، مشکلاتی برای فرزندان پیش بیاورد، مربوط می‌شود. بعد سوم پذیرفتن فرزندان از سوی همسر جدید است.

چارچوب مفهومی: نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برونفن برنر ۱۹۹۴ که پنج زمینه محیطی را در نظر می‌گیرد، در پژوهش آبالا و همکاران [۲۲] به عنوان چارچوبی مفهومی برای درک نگرش در مورد ازدواج مجدد در نظر گرفته شده است. سه مورد از این زمینه‌ها یعنی میکروسیستم یا ریزسیستم، سیستم کلان و کرونوسیستم یا سیستم زمانی به ویژه برای مطالعه در این زمینه مرتبط در نظر گرفته شده‌اند. در سطح میکروسیستم، کودکان نه

این فرزندان نشان داده‌اند که کودکان در سن نوجوانی و پیش نوجوانی به دلیل نیاز به خودمختاری سخت‌تر ازدواج مجدد والدین را قبول می‌کنند، اما در سنین پایین‌تر پذیرش آسان‌تر می‌شود و هرچه خلق‌وخو و مهارت اجتماعی کودک بهتر باشد، توانایی سازگاری او با زندگی جدید بیشتر می‌شود. [۲۷] با توجه به مبانی پژوهشی موجود در زمینه نقش مهم فرزندان در کیفیت زندگی پس از طلاق افراد مطلقه، بررسی تاثیر وجود یا نبود فرزند از ازدواج سابق بر گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد ضروری به نظر می‌رسد. لذا با در نظر گرفتن تناقض موجود در مطالعات انجام شده از یکسو و از طرفی به دلیل فقدان پژوهش داخلی و خارجی در زمینه مقایسه موانع پیشروی افراد مطلقه برای اقدام به ازدواج مجدد، هدف این مطالعه بررسی مقایسه‌ای رغبت و نگرش به ازدواج مجدد پس از طلاق و مولفه‌های آن در زنان با و بدون فرزند از ازدواج اول بود.

مکمل نقش‌های بیولوژیکی والدین هستند، به کمک نیاز دارند. [۲۹] آنچه از مروری بر پیشینه پژوهشی موجود قابل استنباط است، این است که وجود فرزند از ازدواج اول تحت تاثیر عوامل مختلف می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی بر ازدواج مجدد والدین اثر بگذارد. به طوری که برخی از محققان بر این باورند که تجربه چالش‌های ازدواج مجدد بسته به جنسیت و زمینه فرهنگی افراد ازدواج مجدد کرده می‌تواند به صورت متفاوتی تجربه شود. [۳۰] دی نالو [۳۱] در پژوهشی نشان داد که در میان والدینی که حضانت فرزند را بر عهده دارند، شکاف جنسیتی مشخصی وجود دارد، زیرا میزان ازدواج مجدد مادران به میزان قابل توجهی کمتر از پدران است. نتایج بررسی‌های فرهنگی-جنسیتی در این زمینه نشان می‌دهد که در ایران، زنان ایرانی بیست و پنج درصد کمتر از هم‌تایان غربی خود ازدواج مجدد می‌کنند. [۲۷] همچنین سن زنان عاملی دیگر در تصمیم‌گیری آن‌ها برای ازدواج مجدد گزارش شده است. [۱۴] برخی دیگر از پژوهشگران چنین استدلال می‌کنند که تعهدات مالی و اختصاص زمان به مراقبت از کودک، فرصت‌های والدین را برای ازدواج جدید کاهش می‌دهد. به خصوص اگر بیش از یک کودک تحت تکفل وجود داشته باشد و حتی بیشتر از این اگر همه یا برخی از فرزندان خیلی جوان باشند، احتمال یافتن شریک زندگی جدید کاهش می‌یابد. [۳۲] علاوه بر این، در بررسی نقش فرزندان بر ازدواج مجدد والدین برخی از پژوهشگران با برجسته‌سازی اهمیت سن و دوره رشدی

روش

پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ای از نوع تحقیقات توصیفی بود. جامعه آماری این پژوهش افراد مطلقه در آستانه ازدواج مجدد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره ازدواج و خانواده شهر اردبیل در سال ۱۴۰۲ بودند که از میان آن‌ها پنج مرکز مشاوره به عنوان مراکز هدف و به صورت تصادفی انتخاب شدند. از میان مراجعان این مراکز افرادی که طلاق گرفته بودند و با توجه به معیارهای ورود به این پژوهش در شرایط ازدواج مجدد قرار داشتند، تعداد یکصد و بیست نفر معادل شصت نفر برای هر گروه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که در نهایت با کنارگذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص پر شده جمعا یکصد و هجده پرسشنامه به عنوان داده‌های نهایی تحقیق حاضر انتخاب شدند.

سنجش‌های ورود و خروج

ورود: داشتن تجربه طلاق، گذشت حداقل دو سال از طلاق به این دلیل که افراد مطلقه معمولاً سال‌های اول طلاق به دلیل شدت هیجانات تجربه شده پس از طلاق ممکن است تمایل چندانی به ازدواج مجدد نداشته باشند، ازدواج مجدد نکردن پس از طلاق، داشتن سواد خواندن و نوشتن و توانایی پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، تمایل به شرکت در پژوهش. **خروج:** ازدواج مجدد پس از طلاق، برگشت به ازدواج قبلی، داشتن سابقه طلاق کمتر از دو سال، ناتوانی در پاسخ به پرسشنامه‌ها، فقدان میل به ادامه همکاری در پاسخ به پرسشنامه‌ها.

علاوه بر موارد ذکر شده، به منظور رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، در کنار پرسشنامه‌های پژوهش یک فایل بیانیه اخلاقی هم پیوست شد که در آن ضمن توضیح اهداف تحقیق و بی‌نیازی پرسشنامه به ذکر مشخصات شخصی، به شرکت‌کنندگان بابت محرمانه ماندن اطلاعات شخصیشان اطمینان داده شد و در نهایت در کنار اعلام اختیاری بودن شرکت در پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا در صورت رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، فرم رضایت آگاهانه پیوستی را امضا کنند. شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که محققان بعد از هماهنگی با مسوولان مراکز مشاوره ازدواج و خانواده شهر اردبیل و

جلب رضایت آن‌ها برای مشارکت در اجرای تحقیق حاضر و بعد از توضیح کامل اهداف و اهمیت انجام پژوهش از آن‌ها خواستند تا پرسشنامه‌های موردنظر را در اختیار داشته باشند و در صورت مراجعه افرادی که طلاق گرفته بودند و با توجه به معیارهای ورود به این پژوهش در شرایط ازدواج مجدد قرار داشتند، ضمن تشریح اهداف پژوهش و اخذ رضایت کتبی آن‌ها برای شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها و فایل پیوستی بیانیه اخلاقی را در اختیار آن‌ها قرار دهند. در نهایت بعد از تکمیل یکصد و بیست پرسشنامه در این مراکز، یکصد و هجده پرسشنامه جهت انجام تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS22 شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ضمن استفاده از شاخص‌های توصیفی، از آزمون t مستقل جهت مقایسه نمرات دو گروه استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه نگرش به ازدواج: این پرسشنامه توسط براتن و روزن در سال ۱۹۹۸ ساخته شده

است که دارای بیست و سه سوال است که نگرش افراد به ازدواج را از ابعاد مختلفی مثل نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوشبینانه به ازدواج، نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج می‌سنجد. طیف پاسخ‌دهی آن از نوع لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً موافق برابر یک تا کاملاً مخالف برابر پنج می‌باشد. البته این شیوه نمره‌گذاری در مورد سوالات شماره یک، سه، پنج، هشت، دوازده، شانزده، نوزده، بیست، بیست و سه معکوس است. در ایران در پژوهش نیلفروشان و همکاران [۳۳] روایی محتوایی و همگرایی این مقیاس تایید گردید و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ صفر ممیز هفتاد و شش صدم به دست آمد که حاکی از مطلوب بودن پایایی این پرسشنامه است.

پرسشنامه رغبت به ازدواج MDQ: این پرسشنامه توسط حیدری و همکاران در سال ۱۳۸۳ جهت سنجش رغبت به ازدواج ساخته شد که حاوی بیست و سه سوال پنج گزینه‌ای است. نمره‌گذاری این پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت پنج درجه‌ای صورت می‌گیرد که در آن کاملاً موافقم برابر پنج و کاملاً مخالفم برابر یک نمره‌گذاری می‌شود. سوال‌های سه، چهار، پنج، هشت، ده، دوازده، چهارده، شانزده، هفده، بیست، بیست و یک به صورت معکوس نمره‌گذاری شده‌اند. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط اساتید مشاوره تایید شده است و پایایی این پرسشنامه نیز با روش یازآزمون، با فاصله زمانی دو هفته برابر صفر ممیز هشتاد و نه صدم و آلفای کرونباخ آن برابر با صفر ممیز نود و دو صدم گزارش شده است. [۳۴]

ابزار

جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به اعضای هر دو گروه

متغیر	فرزند از ازدواج اول	
	دارد	ندارد
جنسیت	مرد	۲۸
	زن	۳۱
تحصیلات	ابتدایی	۱۲
	راهنمایی	۲
	دیپلم و فوق	۳۳
	کارشناسی	۹
سن	ارشد و +	۳
	۳۰ >	۱۲
	۳۰ <	۴۷

جدول (۲) نتایج آزمون t مستقل در مقایسه نمرات رغبت و نگرش به ازدواج مجدد در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	*	۱۶/۱۵	۲/۸۱	۱/۹۶۴	۱۱۶	۰/۰۵۲
	**	۱۷/۲۲	۳/۰۸	۰/۸۴۲	۱۱۶	۰/۴۰۱
نگرش بدبینانه به ازدواج	*	۷/۸۹	۲/۰۶	۳/۱۷	۱۱۶	۰/۰۸۰۸
	**	۸/۱۸	۱/۶۲	۰/۲۴۳	۱۱۶	۰/۸۰۸
نگرش خوش-بینانه به ازدواج	*	۲۶/۹۸	۳/۱۷	۶/۲۰	۱۱۶	۰/۰۶۱۹
	**	۲۷/۲۰	۳/۶۳	۱/۲۰۲	۱۱۶	۰/۲۳۲
رغبت به ازدواج مجدد	*	۴۷/۶۴	۸/۷۲	۹/۴۸	۱۱۶	۰/۰۰۰۰۰۱
	**	۴۵/۶۲	۹/۴۸	۰/۰۰۰۰۰۱	۱۱۶	۰/۰۰۰۰۰۱

ویژگی‌های دموگرافیک مربوط به اعضای دو گروه در جدول شماره یک نشان می‌دهد یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد که در هر دو گروه فراوانی زن‌ها بیشتر از مردهاست. با این حال، از نظر توزیع متغیر سن در دو گروه، در گروه دارای فرزند از ازدواج سابق بیشتر شرکت‌کنندگان بالای سی سال بودند ولی در گروه بدون فرزند از ازدواج سابق بیشتر شرکت‌کنندگان در رده سنی زیر سی سال قرار داشتند. علاوه بر این، نتیجه آزمون

کای دو نشان داد که از نظر توزیع فراوانی متغیر جنسیت $X^2=۰/۰۶۵$ و $df=۱$ ، $p=۰/۷۸۰$ بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت. اما در متغیر سن $X^2=۲۰$ و $df=۱$ ، $p=۰/۰۰۰$ و متغیر تحصیلات $X^2=۶/۰۰۰$ و $df=۵$ ، $p=۰/۰۰۵$ بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد که این مورد به دلیل دشواری دسترسی به نمونه‌های همگن برای شرکت در پژوهش بود. با این حال، به دلیل مشاهده نشدن تفاوت معنادار میان گروه‌ها در متغیرهای اصلی پژوهش که در جدول شماره دو گزارش شده است، می‌توان بیان کرد که نتیجه پژوهش تحت تاثیر ناهمگنی گروه‌ها از نظر متغیرهای دموگرافیک قرار نگرفته است. جدول شماره دو نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در

افراد مطلقه دارای فرزند از ازدواج سابق و میانگین مولفه‌های نگرش
به ازدواج مجدد در افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج مجدد با توجه به
مقدار t و سطح معناداری ($P > 0/05$) در هر هیچ از این مولفه‌ها، از نظر
آماري تفاوت معناداري وجود ندارد.

بحث و نتیجه

هدف پژوهش حاضر مقایسه نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین افراد مطلقه دارای فرزند با افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج اول از نظر هیچ کدام از مولفه‌های نگرش به ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با نتیجه مطالعه افراسیابی و خلجی پیر بلوطی [۲۱] همسو نیست. چرا که آن‌ها در پژوهشی وجود فرزند از ازدواج سابق را به عنوان مانعی برای ازدواج مجدد موفق والدین معرفی کردند و نشان دادند که حضور فرزند حاصل از ازدواج اول به اشکال مختلف تصمیم و اقدام زنان به ازدواج مجدد را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین، این یافته با نتایج مطالعه دلیل گو و همکاران [۱۷] همسو نیست که در پژوهش خود حضانت فرزند در کنار عوامل عاملیتی و ساختاری متعدد همچون تجربیات ناخوشایند زندگی قبلی، آسیب‌های روانی و مرور خاطرات تلخ زندگی ناموفق قبلی را از جمله موانع ازدواج مجدد بر شمرده‌اند.

نکته‌ای که در تبیین یافته حاصل از آزمون فرضیه حاضر مبنی بر مشاهده نشدن تفاوت در نگرش به ازدواج مجدد بین افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج اول باید به آن توجه کرد این است که معمولاً با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی کشور ما که در آن ازدواج مجدد مردان به مراتب قابل پذیرش‌تر و راحت‌تر از زنان صورت می‌گیرد، فقدان تفاوت معنادار در نگرش به ازدواج مجدد بیان شده از سوی شرکت کنندگان این پژوهش می‌تواند ناشی از همین دیدگاه باشد. چرا که در پژوهش حاضر تعداد شرکت کنندگان مرد بیشتر از شرکت کنندگان زن بود. این در حالی است که بیشتر پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که زنان مطلقه به‌ویژه در جامعه ایرانی با محدودیت و دشواری بیشتری برای ازدواج مجدد مواجه می‌شوند که این موانع از حضور فرزند گرفته تا بافت فرهنگی و قومی که در آن زندگی می‌کنند متغیر است. به‌طوری که طبق گزارش‌ها مشخص شده است که زنان ایرانی بیست و پنج درصد کمتر از هم‌تایان غربی خود ازدواج مجدد می‌کنند. [۲۷] همچنین، سن زنان عاملی دیگر در تصمیم‌گیری آن‌ها برای ازدواج مجدد گزارش شده است. [۱۴] در تبیین این مورد می‌توان به نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برونفن برنر ۱۹۹۴ رجوع کرد که بر اساس این نظریه، فرد تحت تاثیر سیستم‌های پیچیده‌ای از روابط قرار می‌گیرد که چندین سطح از محیط بر او تاثیر می‌گذارد. بنابراین، نبود تفاوت معنادار در نمرات نگرش به ازدواج مجدد افراد مطلقه دارای فرزند از ازدواج اول در مقایسه با آن‌هایی که از ازدواج اول فرزندی ندارند، نه تنها می‌تواند تحت تاثیر تجارب فردی منفی مرتبط با ازدواج اول قرار بگیرد، به علاوه میزان دریافت حمایت خانواده و همچنین، متغیرهای شغلی و اقتصادی هم در قالب برون سیستم می‌توانند بر این نگرش تاثیر بگذارند. علاوه بر این، در سطح کلان سیستم، فرهنگ نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، چون اعضای هر دو گروه از یک جامعه بودند، لذا به دلیل وجود ارزش‌ها و آداب و رسوم و زمینه‌های فرهنگی مشترک ممکن است که تفاوت چندانی در نگرش آن‌ها به ازدواج مجدد پس از طلاق مشاهده نشود چرا که بافت فرهنگی حاکم بر آن‌ها نگاه یکسانی به این موارد دارد. [۲۲] به‌طوری که در تایید این مطلب روانشناسان اجتماعی معتقدند که نگرش فرد نسبت به یک موضوع به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد. اتخاذ و شکل‌گیری نگرشی خاص می‌تواند نتیجه عوامل مختلف باشد و در طول زمان صورت بگیرد. [۱۸]

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین افراد مطلقه دارای فرزند با افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج اول در رغبت به ازدواج مجدد تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با نتیجه مطالعات صورت گرفته در این زمینه ناهمسو است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش کیم [۲۶] اشاره کرد که در پژوهشی که به واکاوی عوامل موثر بر رضایت زناشویی افراد ازدواج مجدد کرده پرداخت. او نشان داد که وجود فرزند از ازدواج اول بر ازدواج مجدد تاثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر این، محمدی و محمدی [۲۷] در پژوهش ناهم‌سوی دیگر با یافته تحقیقی حاضر نشان دادند که یکی از چالش‌های اصلی افرادی که ازدواج مجدد کرده‌اند مشکلات حضور فرزندان است. تا جایی که گاهی حضور خود فرزند مانعی در برابر ازدواج مجدد می‌شود که خود را در قالب مشکلات رفتاری و تحصیلی نشان می‌دهد. همچنین کو و همکاران [۲۸] در پژوهشی ناهمسو با نتیجه پژوهش

وجود فرزند از ازدواج سابق به خودی خود نمی تواند به عنوان مانعی برای تصمیمگیری و یا اقدام برای ازدواج مجدد والد سرپرست عمل کند. لذا، یافته این پژوهش می تواند ضمن اصلاح نگرش منفی در خصوص تاثیر منفی حضور فرزند از ازدواج سابق، به عنوان عاملی در کاهش نگرانی والدین از پذیرش حضانت فرزندان خود عمل کند و از این طریق نقش مهمی در ارتقای بهزیستی روانی والدین و فرزندان ایفا کند. با این حال پیشنهاد می شود تاثیر حضور فرزندان در زندگی پس از ازدواج مجدد نیز به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

راهبست ها: از جمله محدودیت های پژوهش حاضر دشواری دسترسی به نمونه های همگن از نظر ویژگی های دموگرافیک در گروه های مورد مطالعه بود که می تواند بر نتیجه پژوهش تاثیرگذار باشد که این امر نیازمند بررسی بیشتر در مطالعات آتی است. علاوه بر این، ناتوانی در کنترل دقیق تاثیر ویژگی های دموگرافیک همچون سن و جنسیت در کنار ویژگی های شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نقش آن ها در گرایش والدین به ازدواج مجدد یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر بود.

پیشنهادهای: با در نظر گرفتن محدودیت های پژوهش پیشنهاد می شود در مطالعات بعدی در این زمینه ضمن اجرای پژوهش مشابهی در وسعت بزرگتر و با شرکت کنندگان بیشتر، تاحدامکان به منظور نتیجه گیری صریح در رابطه با موضوع مورد نظر، کنترل دقیق متغیرهای مداخله گر و مزاحم مورد توجه قرار گیرد. همچنین، با توجه به یافته های پژوهش حاضر پیشنهاد می شود برای افزایش آمادگی افراد مطلقه برای ازدواج مجدد، چالش های ناشی از وجود فرزند در زندگی پس از طلاق به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

سپاسگزاری: به این وسیله از شرکت کنندگان محترم در پژوهش و همه مسوولان مراکز مشاوره در شهر اردبیل که در انجام هر چه بهتر این پژوهش ما را یاری نمودند، قدردانی به عمل می آید.

تضاد منافع: نویسنده مقاله متعهد می شود که در این پژوهش هیچ نوع تعارض منافع بین نویسندگان، یا افرادی خارج از تیم و یا سازمان ها، ادارات، ارگان ها و... وجود ندارد.

حاضر نشان دادند که کودکان به ویژه کودکان بسیار جوان که به مراقبت های ویژه نیاز دارند، ممکن است شانس ازدواج مجدد مادرانشان را کاهش دهند یا آن را به تاخیر بیندازند. در تبیین تاثیر عواملی همچون سن فرزندان یا ویژگی های شخصیتی و جنسیتی افراد مطلقه در کاهش یا افزایش رغبت آن ها به ازدواج مجدد بر اساس نظریه سیستم های بوم شناختی برونفن برنر ۱۹۹۴ می توان به سیستم زمانی یا کرونیسیستم اشاره کرد مبنی بر این که محیط در تاثیرگذاری بر افراد ایستا عمل نمی کند یعنی افراد را به طور یکسان تحت تاثیر قرار دهد. افراد برخی تغییرات بوم شناختی را تجربه می کنند که باعث تغییر وسعت زیرسیستم های آن ها می شود. این تغییرات هم درونی و هم بیرونی هستند که در زمینه تغییرات درونی اعتقاد بر این است که افراد خود نقش فعالی در تغییر موقعیت زندگی خود بازی می کنند. در این زمینه تصمیم برای طلاق یا ازدواج مجدد یا فرزندآوری به عنوان نقاط عطف در زندگی افراد، از جمله تغییرات بوم شناختی هستند که تحت تاثیر سن، ویژگی های جسمانی و شخصیتی و همچنین فرصت های محیطی شان قرار می گیرد. مدل زیست بوم شناختی برونفن برنر به والدین مطلقه و همچنین فرزندان شان کمک می کند تا آگاهی خود را نسبت به چالش های ارتباطی مرتبط با شرایط موقعیت منحصر به فردشان در خانواده جدید پس از طلاق افزایش دهند. [۳۵] در مجموع با توجه به یافته های حاصل از این پژوهش می توان به این نتیجه رسید که

منابع

References:

1. Arianfar N, Zamanshoar E, Rasuli R, Yusefzade I. Common themes in the divorce transition experience of women based on their locus of control. Journal of Divorce & Remarriage, 2020, 61(3), 206-224. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1699369>
2. Ayadi N, Ranjbar M, Kasirlooy Y, Zarein F. Prediction of pessimistic attitude towards remarriage based on insecure attachment style and fear of intimacy in divorced women. International Journal of Psychology

(IPA), 15(1), 2021, 205-224. <https://ijpb.ir/article-1-382-en.html>

3. Kaleta K, & Mróz J. Posttraumatic growth and subjective well-being in men and women after divorce: The mediating and moderating roles of self-esteem. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 2023, 20(5), 3864. <https://doi.org/10.3390/ijerph20053864>

4. Hollenbaugh KMH, Strauss LM, Feldmann TM, Oyeniyi O, Vashisht K. An exploration of counselors' beliefs and approaches for relationship loss. *Journal of Loss and Trauma*, 2020, 25(2), 159-172. <https://doi.org/10.1080/15325024.2019.1664126>

5. Wong S. L. EMDR-based divorce recovery group: A case study. *Journal of EMDR Practice and Research*, 2018, 12(2), 58-70. <http://dx.doi.org/10.1891/1933-3196.12.2.58> https://www.researchgate.net/publication/325278349_EMDR-Based_divorce_recovery_group_A_case_study

6. Slanbekova G, Chung M. C, Abildina S, Sabirova R, Kapbasova G, & Karipbaev B. The impact of coping and emotional intelligence on the relationship between posttraumatic stress disorder from past trauma, adjustment difficulty, and psychological distress following divorce. *Journal of Mental Health*, 2017, 26(4), 334-341. <https://doi.org/10.1080/09638237.2017.1322186>

7. Bahonar F, Etemadi O, & Salehi K. Dimensions of post-traumatic growth resulting from parental divorce among young Iranian women. *Journal of Loss and Trauma*, 2023, 1-23. <http://dx.doi.org/10.1080/15325024.2023.2236018>

8. Orojloo S, & Khodabakhshi Koolae A. Comparison between Personality Traits and Hope among Female-headed Households with or without Tendency towards Remarriage. *Salāmat-I Ijtimāi (Community Health)*, 2016, 3(2), 101-110. [Persian]. <https://journals.sbm.ac.ir/ch/index.php/ch/article/view/11768>

9. Mirecki RM, Chou JL, Elliott M, Schneider CM. What factors influence marital satisfaction? Differences between first and second marriages. *Journal of Divorce & Remarriage*, 2013, 54(1), 78-93. <https://doi.org/10.1080/10502556.2012.743831>

10. Widiastuti D. Marital satisfaction in individuals who remarry after divorce. In *International Conference on Psychological Studies*. 2021, 131-137. Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.210423.019>

11. Saint-Jacques MC, Robitaille C, Godbout É, Parent C, Drapeau S, Gagne MH. The processes distinguishing stable from unstable stepfamily couples: A qualitative analysis. *Family Relations*, 2011, 60(5), 545-561. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2011.00668.x>

12. Balali E, Ramezani R. A qualitative study of women's challenges in second marriage. *Women's Strategic Studies*, 2023, 25(99), 165-206. [Persian]. https://www.jwss.ir/article_183320.html?lang=en

13. Sweet M. (Dissertation). Formation and features of a stepparent identity. Institute for Clinical Social Work, 2001. (Chicago). https://issuu.com/icsw/docs/sweet_2001

14. Naseri E, Yazdkhasti B. Sociological factors related to the lack of remarriage of widows (Case study: Sponsored women in Sanandaj). *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 2019, 14(1), 31-60. [Persian]. https://qjds.scu.ac.ir/article_15265.html?lang=en

15. Haslam C, Montrose VT. Should have known better: The impact of mating experience and the desire for marriage upon attraction to the narcissistic personality. *Personality and Individual Differences*, 2015, 82, 188-192. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.03.032>

16. Ayadi N, Zolghadri P, Zarein F, Ranjbar M. The role of insecurity in attachment and fear of intimacy in predicting the desire for remarriage in divorced women. *Journal of Family Relations Studies*, 2024, 4(15), https://jhfs.uma.ac.ir/article_3119.html

17. Dalilgoo S, Vahida F, Mohajerani A, Esmaili R. Reduction of tendency to remarriage: (Case study of female household heads in Isfahan). *Journal of Social Problems of Iran*, 2017, 7(2), 31-52. [Persian]. https://jspi.khu.ac.ir/browse.php?a_id=2645&slc_lang=en&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1

18. Willoughby BJ, Hall SS, Luczak HP. Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 2015, 36(2), 188-211. <https://psycnet.apa.org/>

doi/10.1177/0192513X13487677

19. Hartwell LP, Erchull MJ, Liss M. Desire for marriage and children: A comparison of feminist and non-feminist women. *Gender Issues*, 2014, 31, 102-122. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12147-014-9120-3>
20. Yekleh M, Mohsenzade F, Zaharakar K. Study of quality of remarriage after divorce grounded theory method. *Quarterly Journal of Social Work*, 2018, 7(3), 17-31. [Persian]. <http://socialworkmag.ir/article-1-442-en.html>
21. Afrasiabi H, Khalaji Pirbalooti M. A study of the constructions of remarriage by divorced woman taking a grounded theory approach. *Biquarterly Journal of Sociology of Social Institutions*, 2022, 9(19), 239-256. [Persian]. https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_3872.html?lang=en
22. Abela A, Casha C, Debono M, Lauri MA. Attitudes about remarriage in Malta. *Journal of Divorce & Remarriage*, 2015, 56(5), 369-387. <https://doi.org/10.1080/10502556.2015.1046799>
23. Kavas S. (Dissertation). Post divorce experience of highly educated and professional women. Middle East Technical University, 2010. <https://open.metu.edu.tr/handle/11511/19767>
24. Bellido H, Molina JA, Solaz A, Stancanelli E. Do children of the first marriage deter divorce?. *Economic Modelling*, 2016, 55, 15-31. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2016.01.023>
25. Tilson D, Larsen U. Divorce in Ethiopia: The impact of early marriage and childlessness. *Journal of Biosocial Science*, 2000, 32(3), 355-372. <https://doi.org/10.1017/S0021932000003552>
26. Kim H. Exploratory study on the factors affecting marital satisfaction among remarried Korean couples. *Families in Society*, 2010, 91(2), 193-200. <https://doi.org/10.1606/1044-3894.3977>
27. Mohammadi R, Mohammadi Z. Challenges for remarriage of women with children: A qualitative study. *Woman in Development & Politics*, 2019, 17(1), 97-119. [Persian]. https://jwdp.ut.ac.ir/article_71924.html?lang=en
28. Koo HP, Suchindran CM, Griffith JD. The effects of children on divorce and re-marriage: A multivariate analysis of life table probabilities. *Population Studies*, 1984, 38(3), 451-471. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00324728.1984.10410303>
29. Crosbie-Burnett M. Impact of custody arrangement and family structure on remarriage. *Journal of Divorce*, 1989, 13(1), 1-16. https://doi.org/10.1300/J279v13n01_01
30. Anderson ER, Greene SM. Beyond divorce: Research on children in repartnered and remarried families. *Family Court Review*, 2013, 1(51), 119-130. <https://doi.org/10.1111/fcre.12013>
31. Di Nallo A. Gender gap in repartnering: The role of parental status and custodial arrangements. *Journal of Marriage and Family*, 2019, 81(1), 59-78. <https://doi.org/10.1111/jomf.12527>
32. Huerta MC, Adema W, Baxter J, Lausten M, Han WJ, Lee R, Waldfogel J. Fathers' leave, fathers' involvement and child development: Are they related? Evidence from four OECD countries. *OECD Social, Employment and Migration Working Papers*. 14 January 2013. <https://doi.org/10.1787/5k4dlw9w6czq-en>
33. Nilforoshan P, Navidian A, Abedi A. Studying the psychometric properties of marital attitude scale. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 2013; 1(1), 35-47. [Persian]. <http://ijpn.ir/article-1-59-en.html>
34. Saqqezi A, YazdaniEsfidvajani H. Predict marriage desire based on premarital Relationship attitude: Control the role of gender and experience the relationship with the opposite sex. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 2020, 9(7), 139-146. [Persian]. <https://frooyesh.ir/article-1-2086-en.html>
35. Ebersohn S, Bouwer AC. A bio-ecological interpretation of the relationship challenges in the context of the reconstituted family. *South African Journal of Education*, 2015, 35(2), 1039-1039. <https://www.ajol.info/index.php/saje/article/view/118002>